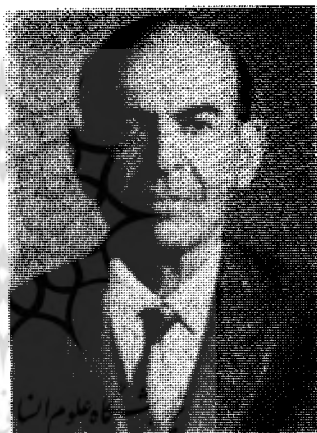


خاطراتی از مالیه مملکت در دوره قاجاریه



فضل الله مجلسی

امیر کبیر قدم‌های مفیدی در تنظیم امور مالیه و وصول مالیات‌ها و حذف مخارج زائد و بیهوده و مواجبات‌های گزاف که از روی هوی و هوس به عده ای درباریها و متنفذین قاجار داده میشد، برداشت بطوری که میتوان گفت یکی از علل اساسی کشته شدن آن رادمرد بزرگ همین جلوگیری از زول خرجی‌ها و عیاشی

بطور کلی وضع امور مالیه ایران بعد از شهادت مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر در زمان سلطنت ناصرالدین شاه دچار انحطاط و خرابی گردید. همیشه خزانه دولت تهی، مالیاتها لاوصول و آنچه هم وصول میشد منحصرأ به خرج دربار و صرف عیاشی پادشاه وقت میشد. مرحوم

مرنارد جواب داد هر کس نزدیکتر به آتش بخاری است زودتر گرم میشود و چون مختصر پولی که از وصول مالیات رسیده باید اول برای حقوق کارمندان خزانه داری داده شود و مالیات وصولی از گندم و جو و غیره بصرف حقوق سایر کارکنان دولت خواهد رسید .

باری در آن دوره تمام مالیات کشور بطور تقریب بالغ بر شانزده کروڑ تومان (۸ میلیون تومان) میشد و وصول مالیات هر استان یا هر شهرستان بعهده والی (استاندار) یا حاکم (فرماندار) بود آن هم با وضع بسیار نامنظم از هر کس دارای قدرت و نفوذ محلی بود مالیات وصول نمیشد و مختصر مبلنی هم که وصول میشد بنام مواجب یا مستمری به متنفذین و مفت خورها داده میشد . مستمری عبارت از يك قسم حقوق بازنشستگی بود که والی یا حاکم به افراد مبلنی سالیانه پرداخت می نمود . در آخر هر سال والی یا حاکم بجای پرداخت مالیات وصولی به خزانه دولت مبلنی پیش کشی بعنوان وزراء و متصدیان عالی مقام دولت و شخص پادشاه به مرکز تقدیم میکرد که به حکومت خود در محل ادامه دهد .

اصول ملوک الطوائفی و هرج و مرج و اغتشاش و خودسری و غارت و چپاول در بیشتر نقاط مملکت حکمفرما بود . تحریکات و نفوذ بیگانه هم مزید بر علت شده و وضع را پریشان تر نموده بود .

های درباریهای قاجار بوده است و بالاخره همین سختگیریها باعث شد که توطئه هایی علیه امیر کبیر فراهم و شاه را وادار به صدور حکم قتل او نمودند و آن بزرگوار را در حمام قین کاشان با نهایت بی رحمی شهید کردند و پس از این واقعه رفته رفته وضع وصول مالیاتها بحالت انحطاط و اشکال افتاده و مخارج بیهوده و گزاف رو به افزایش گذارده بطوریکه ناچار به استقراض از دول همسایه شدند و گمرکات ایران را در گرو قروض گذاردند .

بدیهی است پس از ناصرالدین شاه در دوره مظفرالدین شاه اوضاع مالیه بدتر شد و قرضه دیگری برای جبران مخارج مملکت و خرج مسافرت شاه به فرنگستان صورت گرفت و این فقر مالی دولت در دوره های محمد علی شاه و احمد شاه روز بروز افزون تر گردید .

فراموش نمیکنم در زمانی که احمد شاه صغیر بود و مرحوم عضدالملک نیابت سلطنت را عهده دار بود خزانه داری کل که در آن تاریخ به عهده موسیو مرنارد بلژیکی بود و جمع و خرج مملکت زیر نظر او انجام میشد نامه ای از طرف نیابت سلطنت به نامبرده نوشته بود (در آن تاریخ نگارنده سمت مترجمی رسمی مسیوم مرنارد را داشتم) مبنی بر اینکه چرا حقوق دربار را از محل فروش گندم و جو میدهد و پول نقد را به مصرف مواجب کارمندان خزانه داری کل میرساند .

قصبه یا مزرعه را روی اوراقی بنام فرد ثبت میکردند - فرد ۲۰ سانت در ۱۲ سانت بود .

در حقیقت تمام مالیات اصفهان روی فردهائی که در اختیار این سررشته داران بود ثبت شده و هرگونه تغییر یا تقلیلی در مالیات هرده یا مزرعه در اختیار سررشته دار آن بلوک بود چنانچه سررشته داری فوت میکرد مالیات آن بلوک بلا تکلیف میشد و بهیچوجه وصول مالیات ممکن نمیشد مگر اینکه فرزند آن سررشته دار فردها را که در حقیقت دفترچه ثبت مالیات محل بود و به ارث باو رسیده بود عهده دار وصول مالیات آن بلوک از روی همان فردها بشود .

بخاطر دارم در آن تاریخ عمارتی در خیابان چهارباغ که اخیراً محل اداره راه بود برای محل مالیه تعیین شده بود و در سالن بسیار بزرگی سررشته داران که هر کدام بالیاس بلند و کلاه پوستی و در زیر شال کمر خود یک قلمدان و یک لوله که کاغذ سفید و یک دسته فرد که جمماً در دو عدد جلد چرمی بسته شده بود گذارده شده وارد سالن شده و در صف سررشته داران جلوس میکردند و بدستور مدیر مالی خارجی مجبور بودند همه روزه صورت مالیات های هرده را نوشته و بتدریج تسلیم مأمورین جدید که تازه بکار مشغول شده بودند بنمایند ناهارا هم باید در همان سالن که بدستور مدیر امور مالی در آنجا دو آشپزخانه جهت همه کارمندان تهیه میشد صرف نمایند .

بی پولی و فقر مالیه و تهی بودن خزانه ، مصادف با افتتاح مجلس شورای ملی شده که نمایندگان دلسوز مجلس بفکر اساسی و اصلاح امور مالیه مملکت افتاده به دولت وقت اجازه و اختیار دادند که به استخدام مستشاران خارجی و متخصص در امور مالی از ممالک بیطرف برای تدویر امور مالیه اقدام نماید .

در نتیجه مستر شوستر امریکائی را استخدام و در حدود سالهای ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸ شمسی به ایران وارد و مشغول کار شد .

مستر شوستر که بنام مدیر کل امور مالی منصوب شد رؤسای امریکائی و خارجی برای اداره امور مالی به ولایات فرستاد - از آن جمله یک نفر انگلیسی بنام مستر حیکاک را برای ریاست مالیه اصفهان منصوب و اعزام نمود .

در این تاریخ مرحوم میرزا اسداله خان وزیر در اصفهان که سالهای متمادی متصدی امور مالی بود تحت فشار قرار گرفت و مجبور شد پس از چند روز توقیف در زندان حسابهای مالیه را تحویل دهد . تحویل دادن مالیه عبارت بود از معرفی عدهای بنام سررشته دار و مستوفیان هر یکی ابواب جمع یک نفر سررشته دار که متصدی ثبت مالیات و وصول آن بود .

مثلا اصفهان که دارای هیجده بلوک بود هیجده نفر سررشته دار داشت که هر کدام مسئول ثبت و تشخیص مالیاتهای بلوک ابواب جمعی خود بوده و مالیات هر ده یا

عبدالحسین اورنگ

ماده تاریخ وفات مستوفی الممالک

در ماتم مرحوم مبرور فردوس مکان
علین آشیان میرزا حسن خان مستوفی الممالک
صدر اعظم فرزند مرحوم میرزا یوسف خان
مستوفی الممالک صدر اعظم که مر این بنده
را یکی از موالیان بشمار بود قطعه ذیل
به عرض رسیده است . مصرع آخر ماده تاریخ
شمسی است (۱۳۱۱) که مطابق است با
هجری نبوی (۱۳۵۱)

پور یوسف خواجه والا حسن

رفت و نامش در جهان پاینده است
رحمت حق بر روان شیخ باد
کش سخن به از در غلطنده است
نام نیکی ار بماند ز آدمی

به زکاتی کوچو خور رخشنده است
کلك اورنگ از پی تاریخ سال

برورق جولان زن و گردنده است

سال شمسی را در این مصرع دید

نام مستوفی زینکی زنده است

شمسی ۱۳۱۱

این ماده تاریخ بخط مرحوم شیخ الملك
اورنگ در دفتر خاطراتش نوشته شده بود
و نقل گردید.

خاطراتی از مالیه مملکت ...

برای مثال نمونه يك فرد مالیاتی که
تشریح مالیات مبارک آباد لنجان است در
زیر آورده میشود :

صورت زیر مالیات قریه مبارک آباد

لنجان ص ۱۲

سال سیچقان ثیل ۱۲۸۲ شمسی -

۱۳۲۷ قمری

نقد ۱۲۷۲ ریال

گندم ۳۰ من

جو ۳۰ من

وصول شده نقد ۲۰۰ ریال

تخفیف سالی ۱۰۰ ریال

تخلف مالیاتی خارج از ص ۳

ریال .

هر گاه این فرد مفقود میشد یاسر -

رشته دار بلوک نمیخواست بدهد بهیچوجه

وصول مالیات ازینده دیگر میسر نبود .

همین قسم سایر سر رشته داران در

هر بلوک اختیار مالیات هر بلوک بدست

آنها وزیر نظر آنان بوده و هیچگونه

سابقه وثبت در کار نبود.

این بود وضع امور مالیه هر -

شهرستان .

محاسبات این فردها از روی حساب

سیاق که مخصوص سر رشته داران و مستوفیان

بود و در تمام مراحل و بازارها و تجارتخانه

ها در آن تاریخ فقط همین حساب سیاق

رواج بود .

دنیاله دارد